خبر

فارسی، زبان حکمت بنیان و تقویت خرد است

مراسم شب میراث فرهنگی ایران و تاجیکستان با حضور حجت الاسلام عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در مجموعه فرهنگی، تاریخی نیاوران برگزار شد.
خسروپناه در این مراسم با تأکید بر پیوند اخوت بین ایران و تاجیکستان گفت: ایران و تاجیکستان زبان مشترک دارند و این زبان مشترک پیوند تاریخی بین دو کشور را عمیق‌تر کرده است، به علاوه این‌که پیوند جغرافیایی بین کشورهای فارسی زبان با ایران ازجمله تاجیکستان نیز وجود دارد.وی با بیان این‌که با زبان فارسی، پیوند تفکر و حکمت بنیان بین ایران و تاجیکستان برقرار شده است، ادامه داد: وقتی از زبان سخن می‌گوییم زبان حامل فرهنگ است، وقتی زبان فرهنگی را با خودش حمل می‌کند، یعنی خرد، حکمت، معرفت و فضیلت را به همراه دارد، برخی اندیشمندان و دانشمندان ژنتیک می‌گویند بین زبان و تفکر، ژن واحدی وجود دارد و زبان فارسی نیز زبان حکمت بنیان و تقویت خرد است.دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: ما بسیاری از شعرا و ادبا نظیر رودکی و فردوسی را حکیم می‌دانیم، چراکه حکمت و خردشان فضیلت‌ساز است. زبان فارسی نه‌فقط پیوند فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی بین ایران و تاجیکستان ایجاد کرده بلکه پیوند بینشی در ساحت حکمت و خرد و پیوند منشی در ساحت فضیلت ایجاد کرده و باعث شده حکمت و فضیلت ایران و تاجیکستان متحد شوند./ مهر

جشنواره شعر فجر در نگاه ۳ برگزیده اصلی هجدهمین

شعر؛ بزرگ مظلوم در رسانه‌ها

آرش شفاعی
گروه فرهنگ و هنر

هجدهمین دوره جشنواره بین‌المللی شعر فجر چندی پیش بخش مسابقه کتاب خود را به پایان برد و بخش دیگری از این جشنواره یعنی مسابقه تلویزیونی جشنواره به‌زودی برگزار خواهد شد. نکته قابل توجه درباره این دوره از جشنواره، انتخاب برگزیده در بخش‌های مختلف جشنواره بود. جشنواره شعر فجر پس از ۱۸ دوره برگزاری، دارای وزن و اعتبار قابل‌توجهی در میان جامعه ادبی کشور شده اما همچنان احساس می‌شود پیوست رسانه‌ای و حمایتی از آن و برگزیدگانش کم است. جشنواره هرسال برگزار می‌شود و برگزیدگانی را به جامعه معرفی می‌کند اما این فرآیند در همان نشست اختتامیه پایان می‌یابد. نه رسانه‌ها رغبتی به معرفی کتاب‌های برگزیده و شاعران‌شان نشان می‌دهند و نه حتی مسئولان برگزاری جشنواره، قدمی عملی و براساس یک طرح از پیش‌اندیشیده برای معرفی این آثار و شاعران به مخاطبان دارند. جشنواره تنها به تقدیر مالی از برخی شاعران برگزیده محدود شده است اما نفع معنوی و حمایت و تبلیغ جدی از آثار ادبی این شاعران که باید مرحله تکمیلی جشنواره باشد، عملا دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد دلیل اصلی بیشتر رسانه‌ها برای عدم توجه به شعر، این باشد که شعر در جامعه امروز مخاطب چندانی ندارد در نتیجه بهتر است روی هنرهایی سرمایه‌گذاری کنند که مخاطب بیشتری برای‌شان به همراه می‌آورد اما واقعیت اینجاست که هم شعر در جامعه امروز همچنان مورد توجه و اقبال مخاطب است و هم تا زمانی که رسانه‌ها تنها به پخته‌خواری عادت و از مسئولیت‌های فرهنگی خود در پاسداشت و ترویج فرهنگی ملی غفلت کنند، شعر همچنان مظلوم باقی خواهد ماند؛ در صورتی‌که شعر، رکنی اساسی از هویت ملی و فرهنگی ماست و رسانه‌ها در قبال آن مسئولیت مضاعفی دارند. در این نوشتار با سه نفر از برگزیدگان بخش‌های مختلف جشنواره گفت‌وگو کرده‌ایم و نظرشان را درباره وضعیت فعلی شعر امروز و جایگاه جشنواره پرسیده‌ایم. امیرعلی سلیمانی شاعر برگزیده بخش محاوره، حسین دهلوی برگزیده بخش شعر کلاسیک و اسماعیل ا...دادی، برگزیده بخش شعر کودک و نوجوان به سؤالات ما پاسخ داده‌اند که می‌خوانید:

بخش محاوره جشنواره، توجیهی ندارد

شما غزلسرای خوبی هستید و بسیاری از علاقه‌مندان به شعر با غزل‌های شما آشنایند، چه شد که تصمیم گرفتید به شعر محاوره روی بیاورید؟

فکر می‌کنم حدود هفت سال می‌شود که اولین‌بار ترانه نوشتم. این مسأله هم بیشتر به‌خاطر موسیقی بود. به واسطه آشنایی با دوستان ترانه‌سرا، در این جلسات شرکت می‌کردم و خودم هم علاقه زیادی داشتم که به‌عنوان ترانه‌سرا کار کنم. کم‌کم از حدود سال ۹۵ در کنار شعر، ترانه هم می‌نوشتم و بعد برایم جدی‌تر شد. آن هم دنیای خوشایندی برایم داشت. در این مدت با خوانندگان و آهنگسازان مختلفی کار کردم و در سال ۱۴۰۱ ترانه‌هایی را که فکر می‌کردم خارج از فضای موسیقی به لحاظ مکتوب هم ارزش دارند به کتاب تبدیل کردم.

امیر علی سلیمانی

به نکته خوبی اشاره کردید، تفاوت میان ترانه و شعر محاوره چیست و آیا می‌شود خط و مرزی میان آنها قائل بود؟

این دو گونه واقعا از هم جدایند. من ترانه را فقط قابل تعریف شدن در یک پروژه موسیقی می‌دانم. ترانه یک اثر مستقل نیست و برای یک اثر موسیقی نوشته شده است. ترانه در ترکیب با چند عنصر دیگر یک قطعه موسیقی را می‌سازد ولی محاوره یک شعر کامل است که فقط زبانش با زبان معیار تفاوت دارد. اشتراکات شعر محاوره و شعر کلاسیک از حیث مؤلفه‌هایی که می‌توانند یک اثر را سربلند کنند، بسیار است. ولی ترانه مؤلفه‌های متفاوت‌تری می خواهد و چه بسا بسیاری از ویژگی‌هایی که یک شعر را در دید منتقد یا مخاطب، شعر خوبی می‌کند، ترانه را دچار ضعف کند. ساده‌نویسی و توجه به عاطفه در ترانه خیلی مهم است. آن‌قدری که آرایه‌های ادبی و توجه به فرم در شکل‌های نوشتاری اثر در شعر اهمیت دارند، در ترانه مهم نیستند.

شعر در رسانه‌های رسمی اصلا بازیگر مهمی نیست و فقط به چشم زینت به آن نگاه می‌شود. داستان دوطرفه است؛ تو به آن توجه نمی‌کنی و مخاطب به دست نمی‌آورد و بعد می‌گویی چون تو مخاطب نداری به تو توجه نمی‌کنم

این سؤال مطرح است که اگر محاوره، گونه‌ای از شعر است؛ چه نیازی است که زبان را از شکل رسمی آن خارج کنیم و به زبان محاوره شعر بگوییم؟

سؤال مهمی است و باید به آن فکر کرد اما اگر بخواهیم برایش توجیهی بتراشیم، می‌شود گفت برخی آثار فضا و جهانی دارند، شاید ایجاب می‌کند که با لحنی صمیمی‌تر بیان شود. مثلا اگر شعری را از زبان مادری خطاب به فرزندش بنویسید، اگر با زبان محاوره این شعر را بنویسید، باورپذیرتر می‌شود. یا مثلا وقتی در شعری، ارجاع‌ها یا نقل قول‌ها زیاد باشد یا شعری که اتکای زیادی بر دیالوگ داشته باشد، یا مثلا شعری که مبتنی بر قصه و تداعی‌کننده قصه‌های قدیمی‌است، در چنین فضاهایی کمک‌کننده است. در چنین فضاهایی زبان محاوره می‌تواند یاری کند که زبان یکدست‌تری شکل بگیرد و تکلیف مخاطب روشن‌تر باشد. من معتقدم بخشی از شعرهای محاوره‌ای که نوشته می‌شود، به‌دلیل علاقه‌مندی شاعران به فضای موسیقی است و متأسفانه خیلی هم توفیقی به دست نمی‌آورند چراکه همچنان تکیه‌شان بر دانسته‌ها و باورهایی است که در حوزه شعر دارند و فقط زبان را عوض می‌کنند. در نهایت هم نه خروجی مورد نظرشان در حوزه موسیقی را به دست می‌آورند و نه توجیه قابل قبولی دارند که چرا زبان اثرشان تغییر کرده است. یک حالت بینابینی و سردرگمی هم به خصوص در مورد کتاب‌هایی که چاپ می‌شود، وجود دارد.

قبول دارید که موارد بسیار زیادی از شعرهایی که به زبان محاوره سروده می‌شود، به دلیل این است که شاعر توانایی لازم در سرودن شعر به زبان رسمی را ندارد و از زبان محاوره به عنوان گریزگاهی برای پوشاندن ضعف‌های زبانی خود استفاده می‌کند؟

کاملا درست است و شاید چون شعر محاوره به نوعی شعر موزون هم حساب می‌شود، راهی برای گریز از وزن هم هست. ما خیلی جاها اگر به ایرادات جزئی وزنی برخورد کنیم، در شعر محاوره توجیه این است که چون کلمات کوتاه و بلند خوانده می‌شوند، در خوانش می‌توان این ایرادات را به شکلی مرتفع کرد. احساس می‌کنم یک‌گونه عامیانه‌تر از شعر را می‌بینیم. هرچند در این سال‌ها تک‌چهره‌هایی داشته‌ایم که فقط شعر محاوره سروده‌اند و کارهای‌شان قوت داشته و از هر زاویه‌ای که بنگریم تأثیرگذاری آثارشان با چهره‌هایی که شعر با زبان معیار می‌نوشته‌اند، برابری می‌کند. نوشتن یک شعر محاوره چون خیلی چارچوب‌ها و معیارها و تناسبات و الزامات شعرگفتن با زبان معیار را ندارد، به ظاهر ساده‌تر می‌آید و خیلی‌ها برای ساده شدن کارشان به شعر محاوره پناه می‌برد باشند. همین اتفاق در حوزه شعر آزاد هم افتاده است و برخی از دوستانی که به نوشتن شعر آزاد روی آورده‌اند، منطق‌های کلاسیکی در ذهن‌شان داشته‌اند و فلسفه پیدایش شعر آزادمان را نفهمیده‌اند اما چون نوشتن این شعر در ظاهر ساده‌تر بود، برای این‌که زودتر به خود برچسب شاعر بزنند و مجموعه شعر منتشرکنند، انگار فراگیری کمتری می‌خواست به همین دلیل آن مسیر را انتخاب کردند و البته هیچ‌کدام هم توفیقی به دست نیاوردند.

به نظر شما آیا ما آن‌قدر اثر خوب در حوزه شعر محاوره داریم که به صورت مجزا در جشنواره شعر فجر به آن پرداخته شود؟ به نظر شما دلیل منطقی جداسازی این گونه شعری از شعر کلاسیک چیست؟

به نظر من واقعا دلیلی ندارد. شاید چون من خودم برنده شده‌ام، گفتن این حرف درست نباشد اما این کار توجیه درستی ندارد. شعر محاوره از نظر کیفی و کمی نباید در کنار شعر کلاسیک و آزاد به‌صورت یک شاخه مجزا بررسی شود. شاید پرداختن به عنوان یک بخش جنبی آن هم در یک دوره بتواند قابل توجه باشد. به‌هرحال این هم یک گونه است و شاید من بتوانم ۱۰ کتاب خیلی خوب شعر محاوره در ده دهه ۹۰ اسم ببرم ولی از این تعداد بیشتر نیست.

نه توسط منتقدان و نه مخاطبان، هیچ‌گاه شعر محاوره به چشم یک گونه مستقل و جدا مورد توجه نبوده است. من در انتشارات خودم از میان ۴۰۰ کتابی که منتشر کرده‌ایم، فکر نمی‌کنم بیشتر از چهار یا پنج کتاب دارای زبان محاوره باشد. تعداد آثار رسیده به جشنواره فیلم فجر را هم نگاه کنید، می‌بینید تعداد آثار رسیده در بخش محاوره ۵۰ کتاب است اما در بخش شعر کلاسیک ۱۴۰۰ اثر. این‌که یک نفر را به‌عنوان نفر اول شعر محاوره و یک نفر را به‌عنوان نفر اول شعر معیار با یک جایگاه در رتبه‌بندی معرفی کنید، خواه‌ناخواه در حق کسی که در شعر کلاسیک برنده شده، اجحافی صورت گرفته یا توجه ویژه و غیرعادی به بخش محاوره شده است. توفیقی بوده است که امسال من برگزیده شده‌ام ولی فکر می‌کنم جای درست پرداختن به شعر محاوره در جشنواره موسیقی فجر است که در آنجا ترانه یک شاخه است و برگزیده دارد. در جشنواره شعر فجر به‌راحتی می‌توان شعر محاوره را در شعر کلاسیک ادغام کرد.

برخی می‌گویند دلیل افت کتاب‌های شعر به‌دلیل رویکرد مخاطبان به شبکه‌های اجتماعی است که شعر را دیگر در کتاب‌ها دنبال نمی‌کنند بلکه به‌دنبال شعر در فضای مجازی هستند.

به‌نظر من بی‌تأثیر نیست و این عامل هم ۲۰ تا ۳۰ درصد مؤثر بوده است. کتاب‌های شعر کتاب‌های کم‌حجمی هستند و انتشارشان در فضای مجازی راحت است. ما در همین دوران سخت کتاب‌های شعر، کتاب‌هایی داریم که پرفروشند و می‌توانند مثال‌های نغزی برای این بحث باشند. به نظر من گرانی کتاب خیلی تأثیر بیشتری داشته است. در اوج دوران فروش کتاب‌های شعر حداقل در دوره‌ای که من خودم مخاطب شعر بودم، یعنی در دوران ابتدای دهه ۹۰، ناشران شعر پرفروش‌ترین ناشران فضای نمایشگاهی بودند، در همان دوران وبلاگ‌نویسی و فیس‌بوک و شبکه‌های اجتماعی دیگر نیز باب بودند اما اساسا دست مخاطب برای خرید بسیار باز بود. با یک بن‌کارت نمایشگاهی می‌شد ۱۵ تا ۲۰ کتاب با خود ببری و طبیعتا در میان همه حوزه‌ها، کتاب‌های شعر هم بود. من خودم چون مستقیما با مخاطبان در ارتباطم، می‌بینم که خیلی دستچین‌تر انتخاب می‌کنند. به‌خصوص که مخاطب شعر با توجه به این‌که هرساله دو تا سه هزار کتاب شعر منتشر می‌شود، گزینه‌های زیادی برای انتخاب‌کردن دارد. زمانی مخاطب آن‌قدر از نظر مالی فراغت داشت که می‌گفت امسال ۵۰ کتاب خوب به بازار آمده و من همه آنها را می خرم اما الان نمی‌تواند این‌گونه به مسأله نگاه کند. معتقدم چندین دلیل وجود دارد؛ فضای مجازی موثر است، شرایط حاکم بر بازار هم موثر است. نگاهی که پخش به کتاب شعر دارد هم مؤثر است. چون کتاب شعر کتاب کم‌حجمی است، سود توزیع کمتری نسبت به یک رمان ۸۰۰ هزارتومانی برای پخش دارد و به همین دلیل آنها هم به‌دنبال آن هستند که بازاریاب‌های‌شان را مجاب کنند که کتاب گران‌قیمت‌تری را در شبکه توزیع قرار دهند. همه اینها موثرند. تعارف نکنیم این دوره جزو کم‌رونق‌ترین دوران بازار کتاب شعر است.

و به نظر شما راه چاره چیست؟

چیزهایی که من بگویم، همان چیزهایی است که همه در این سال‌ها گفته‌اند و تاثیری نداشته است. مسأله اینجاست که شعر در رسانه‌های رسمی اصلا بازیگر مهمی نیست و فقط به چشم زینت به آن نگاه می‌شود. داستان دوطرفه است؛ تو به آن توجه نمی‌کنی و مخاطب به دست نمی‌آورد و بعد می‌گویی چون تو مخاطب نداری به تو توجه نمی‌کنم. هنرهای تجسمی و ادبیات در سبد رسانه‌های رسمی جایی ندارند. وقتی تمام شبکه‌های خوب تو در اختیار هنرهای دیگر باشد اما با برگزاری یک جشنواره یا نوشتن شعر روی بیلبوردها بخواهی توجه به شعر ایجاد کنی، این امر شدنی نیست. از نظر متولیان امر جاهایی که توجه مخاطب معطوف می‌شود، کاملا قابل شناسایی است و باید اتفاقا آن جاها را در اختیار شعر قرار دهند. سال‌هاست

قاب

استقبال از کتاب‌های ایرانی در مسقط

در بیست‌وهشتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب مسقط، ۸۴۷ ناشر از سراسر جهان حضور دارند. جمهوری اسلامی ایران نیز با ارائه بیش از هزار عنوان کتاب در این نمایشگاه حضور پیدا کرده است.

۸۴۷ ناشر از ۳۴ کشور ایران، عمان، لبنان، مصر، سوریه، قطر، عربستان، اردن، مراکش، کویت، بحرین، امارات، آمریکا، انگلیس، نیوزیلند، کانادا، هند، چین و... با عرضه بیش از ۶۲۲ هزار عنوان کتاب از دوم تا دوازدهم اسفندماه ۱۴۰۲ میزبان علاقه‌مندان هستند.

در این نمایشگاه ۱۵۲ برنامه فرهنگی و ۱۳۱ فعالیت فرهنگی برای کودکان تدارک دیده شده است.

جشنواره

فراخوان قلم زرین منتشر شد

انجمن قلم ایران بیست‌ودومین دوره جشنواره قلم زرین را برای علاقه‌مندان، ناشران و نویسندگان برگزار می‌کند. هدف جشنواره قلم زرین، ترویج فرهنگ کتابخوانی، حفظ ارزش‌های والای اخلاقی و شناسایی و رشد ادبیات فاخر است و به این وسیله از اهالی قلم و فرهنگ و دست‌اندرکاران حوزه نشر برای شرکت در جشنواره دعوت می‌کند.

علاقه‌مندان باید آثار منتشر شده در سال ۱۴۰۲ را در زمینه‌های مجموعه داستان و رمان بزرگسال، مجموعه داستان و رمان کودک و نوجوان، شعر بزرگسال، شعر کودک و نوجوان و پژوهش و نقد ادبی را به دفتر جشنواره ارسال کنند.

بدیهی است ملاک داوری، سال انتشار اثر مندرج در شناسنامه کتاب خواهد بود. نویسندگان و ناشران حداکثر تا ۲۰ فروردین ۱۴۰۳ فرصت دارند دو نسخه از اثر خود را که در سال ۱۴۰۲ منتشر شده به دفتر جشنواره به نشانی: تهران، خیابان سیدجمال‌الدین اسدآبادی، نبش کوچه ۴۴، پلاک ۳۶۰، کدپستی ۱۴۳۶۷۷۳۸۸۳ ارسال کنند.

مراسم پایانی بیست و دومین دوره جشنواره قلم زرین با معرفی برگزیدگان و اهدای جوایز در روز ۱۴ تیرماه ۱۴۰۳ همزمان با روز ملی قلم برگزار خواهد شد./ جام جم

نشست

پیشنهاد تشکیل ارکستر مشترک مقاومت

دومین نشست بین‌المللی موسیقی مقاومت با ارائه پیشنهادی مبنی بر تشکیل ارکستری مشترک بین هنرمندان کشورهای حوزه مقاومت برگزار شد.

مصطفی یوسف الداوی مهمان حضوری این نشست از کشور فلسطین بود.وی گفت: غربی‌ها از همه سکوهای موسیقی برای اهداف خود بهره می‌برند. موسیقی می‌تواند مقاومت را به جهان معرفی کند و این نکته‌ای است که ما باید به آن بپردازیم.

احمد الهمدانی، استاد دانشگاه، آهنگساز و خواننده لبنانی گفت: مسئولان سیاسی باید امکانات بیشتری به هنرمندان بدهند. باید توجه داشته باشیم که بدون تلاش‌های رسانه‌ای نمی‌توان به اهداف مورد نظر رسید. شهروز حقی، موزیسین ایرانی گفت: پیشنهاد می‌کنم ارکستری از هنرمندانی از کشورهای عرصه مقاومت تشکیل شود. ارکسترها می‌توانند به‌صورت آنلاین و از راه دور هم کار کنند. این کار باید از همین ایران آغاز شود./ مهر